

بر خلاف دیدگاه و پارادایم اولیه توسعه که پیشرفت و توسعه را نوعی نسخه برداری از توسعه یافتگی در غرب می‌دانست و از این پیش فرضها برخوردار بود^۱ (الف) تغییرات اجتماعی کلیه جوامع بشری در مسیری واحد و تکاملی صورت می‌گیرد.

ب) توسعه غرب و فرایند تاریخی الگوی این تغییرات اجتماعی است.

ج) جوامع پیشرفته غرب زمانی خود وضعیتی مشابه جوامع عقب مانده داشتند.

د) جوامع توسعه نیافته برای رهایی از عقب ماندگی خود باید فرایند تاریخی توسعه یافتگی در غرب را با تمام ویژگیها و مشخصه‌هایش سرلوحه اقدامات اقتصادی - اجتماعی خود قرار توسعه دهند.

متخصصان فن و سیاستمداران^۲، که در این بین نقش مشارکت مردمی و توسعه سیاسی برجسته می‌شود. از سوی دیگر شاهد تحولی در اهداف توسعه، نه تنها تحولی در مفهوم توسعه اقتصادی بلکه تحولی در اهداف توسعه در کل نیز هستیم. در زمینه توسعه اقتصادی به جای محصور شدن در مفهوم نارسای درآمد سرانه ملی، توسعه اقتصادی را براساس پیشرفت به سوی ترکیبی از اهداف رفاهی تعریف می‌نمایند. برای نمونه سیرس (SECRS) توسعه را به معنای دستیابی به ظرفیتهای شخصیت انسانی می‌داند که در سه هدف متجلی می‌شود^۳:

الف) تامین نیازهای اساسی (رفاه فردی شامل: خوراک، مسکن، پوشاک، خدمات اساسی شامل: بهداشت، آموزش و

ماهیت اساساً ایدئولوژیک و سیاسی مفهوم توسعه است. باور گروهی از متفکران توسعه در ایران این است که توسعه ماهیتی مشخص داشته و امری واقعی است. کافی است پیشداوریها را کنار بگذاریم و این واقعیت و ماهیت را مشاهده نماییم. بعد از دستیابی به این ماهیت با تاسی از الگو و فرایند توسعه یافتگی در غرب باید عوامل و موانع توسعه یافتگی در کشور را شناسایی، عوامل را تقویت و موانع را محو یا تقلیل داد. در همین راستا مسئله اغراق آمیز موانع فرهنگی با غفلت از ماهیت اساساً ایدئولوژیک توسعه مطرح شده و عواملی از قبیل تجدد و مدرنیته با نادیده گرفتن تجارب توسعه یافتگی سایر کشورها و کم رنگ جلوه دادن عوامل ساختاری و چشم

«روشن شناسی مردمی»

پایه نظری دیدگاه نوین توسعه

عماد افروز

ه) عامل اصلی عقب ماندگی جهان عقب مانده، عامل درونی است.

امروزه در اثر نقدهای رادیکال و لیبرال بر این دیدگاه غالب، در اواخر ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰، مباحث توسعه برخوردار از کلکسیون از پارادایمهای نظری و کاربردی متنوع و متعارض گردید. به طوری که به تعبیر کوپر ما در دهه ۱۹۸۰ هیچ وفاقی در مورد مسائل تحلیلی اصلی و چگونگی حل مسائل عملی توسعه در اختیار نداریم. امروزه گرایش و آگاهی صریحی در مورد ماهیت اساساً ایدئولوژیک و سیاسی توسعه ایجاد شده است. توسعه مفهومی با استلزامات و دلالتهای منطقی متفاوت بوده و بستگی به دیدگاه استفاده کننده دارد^۴ حتی عنوان می‌شود که توسعه باید توسط کسانی تعریف شود که زندگیشان باید بهبود یابد و نه توسط

آب تصفیه شده، فرصتهای شغلی، امنیت فردی و حقوق مدنی و...^۵

ب) ایجاد اشتغال کامل

ج) کاهش نابرابری

ضمناً در زمینه اهداف توسعه نیز این اهداف را صرفاً محصور به توسعه اقتصادی ندانسته و به دنبال توسعه جامع یعنی توسعه فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هستند. مشاهده می‌شود که توسعه دیگر مفهومی ساده و تک بعدی نبوده و از واقعیتی بغرنج، پیچیده و چند بعدی برخوردار است و یک در هم تنیدگی بین وسایل و شیوه‌های دستیابی و خود این اهداف وجود دارد.

به نظر راقم این سطور دو اشتباه و مغالطه عمده در بین تعدادی از صاحب نظران توسعه در کشور رایج است. یکی از اشتباهات رایج در مورد توسعه، غفلت از

پوشی از ویژگیهای جامعه فرامردن کنونی مطرح می‌شوند.

باید توجه داشت که به خاطر پیوند

مفهوم توسعه با مسائل ارزشی و هنجاری یک جامعه، ماهیت این مفهوم نیز رنگ و بوی ارزشی و ایدئولوژیک به خود می‌گیرد. این نکته در کنار رهاوردهای جدید مباحث توسعه ما را به جستجوی الگوی توسعه متناسب با نیازها، ارزشها و هنجارهای جامعه فرا می‌خواند. که طبعاً کاری است بلند مدت و متضمن تلاش گروهی از صاحب نظران توسعه در کشور. اضافه نمایم که نگارنده به هیچ وجه مخالف بحث موانع فرهنگی توسعه نیست اما از توجه اغراق آمیز نسبت به آن پرهیز دارد. باید توجه داشت که فرهنگ یک متغیر منزوی (isolated) نیست؛ بلکه در یک دادوستد و ترابط مستمر با سایر متغیرهای سیاسی و

تضادی است. انشاء... در مقاله‌ای تحت عنوان «مدل فرهنگی توسعه» به شناسایی آن رویکرد، صاحب نظران عمده آن و آراء مخالفین خواهیم پرداخت.

اشتباه و مغالطه دیگر که از بی توجهی نسبت به استلزامات منطقی قبول فرضهای نوسازی ناشی می‌شود، عدم تکلیک شرایط و نتایج توسعه از یکدیگر است. به سخن دیگر یک سری مسائلی که ماه عنوان شرط توسعه از آن یاد می‌کنیم در واقع نتیجه و حاصل توسعه یافتگی‌اند.

به هر حال با توجه به اهمیتی که مباحث اخیر توسعه به «مردم» نیازها و منظر آنان در برخورد با مسائل می‌دهد، به نظر ما نظریه روش شناسی مردمی در جامعه شناسی این امکان را به سیاست‌گذاران و

از زمان چاپ کتاب «مطالعاتی در روش‌شناسی مردمی»، در ۱۹۶۷ از سوی هارولد گارفینکل (Harold Garfinkel)، بنیانگذار روش‌شناسی مردمی، ما با کثیری از جامعه‌شناسان که خود را روش‌شناس مردمی معرفی می‌نمایند مواجهیم. اگرچه روش‌شناسی مردمی را به هیچ‌وجه نمی‌توان به عنوان یک دیدگاه مسلط در نظر گرفت. اما آن قدر نفوذ داشته است که آماج حملات «انجمن جامعه‌شناسی آمریکا» قرار گیرد. اوج شهرت روش شناسی مردمی در آغاز دهه ۱۹۷۰ بوده و در همین سالهاست که منازعات و درگیریهای بین طرفداران این رویکرد و سایر رویکردهای جامعه‌شناسی بعضاً به اخراج آنان از بعضی از دانشگاههای

همانند پدیدارشناسی، روش‌شناسی مردمی

نیز سازمان اجتماعی را چیزی

می‌داند که باید از میان تجارب گوناگون

افراد متفاوت تثبیت شود.

برنامه ریزان کشور می‌دهد که اولویتها و ترجیحات خود را به مردم تحمیل نمایند و با ایجاد فرصت برای مشارکت مردمی در تصمیم‌گیریها و غیره از منظر آنان به مسائل نگریسته و در دیالوگ و درک مقابلی نسبت به مفاهیم توسعه و پیشرفت قرار گیرند. یکی از مباحث حوزه تغییرات اجتماعی، بحث هزینه‌های روانی و اجتماعی این تغییرات است، با میدان دادن به مردم و ایجاد فرصت برای مشارکت آنان و درک نیازهای آنان هزینه روانی و اجتماعی تغییرات توسعه‌ای کاهش خواهد یافت.

روش‌شناسی مردمی پایه نظری دیدگاه نوین توسعه

از رویکردهای پدیدارشناسانه جاری در جامعه‌شناسی «روش‌شناسی مردمی» برجسته‌ترین و هماهنگ‌ترین آنها می‌باشد.

الف) زندگی‌نامه و زمینه فکری

هارولد گارفینکل در سال ۱۹۱۷ تولد یافت و دکترای خود را در سال ۱۹۵۲ از هاروارد اخذ نمود. به استثناء دو سال تدریس در ایالت اوهایو و مدتی کوتاه کار روی پروژه تحقیقاتی در دانشگاه شیکاگو، پروژه مشاوره هیئت منصفه، گارفینکل تمام عمر خود را در دانشگاه کالیفرنیا در لوس‌آنجلس، جایی که اخیراً از عنوان استاد ممتاز برخوردار گردید، گذراند. به علت نقش گارفینکل، دانشگاه کالیفرنیا در لوس‌آنجلس مرکز تربیت و کارآموزی روش‌شناسی مردمی گردید. دو دانشگاه کالیفرنیا در سنت‌باربارا و سان‌دیگو را به خاطر حضور روش‌شناسان مردمی همچون آرون سیکورل (Aaron Cicourel) دانشجوی برجسته گارفینکل که در دانشگاه کالیفرنیای سنت‌باربارا از سال ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۱ و از ۱۹۷۱ به بعد در دانشگاه کالیفرنیای سان‌دیگو بود، می‌توان به عنوان شعبات روش‌شناسی مردمی در دانشگاه کالیفرنیای لوس‌آنجلس تلقی نمود. گارفینکل سال ۷۶-۱۹۷۵ را در مرکز مطالعات پیشرفته در علوم رفتاری واقع در دانشگاه استنفورد، جایی که به تنظیم دست‌نوشته‌های خود حول روش‌شناسی مردمی که از سال ۱۹۶۷ منتشر شده بود، پرداخت. به هر حال وی خود از چهار نفر که به تعبیر او «نوشته‌های آنان به طور زایدالوصفی مرا به سوی دنیای فعالیت‌های روزمره هدایت نمود» نام می‌برد؛ تالکوت پارسونز (Talcott Parsons) که شاگرد وی در هاروارد بوده است، آلفرد شوتز (Alfred Schutz) که وی را ملاقات نمود و در مدرسه جدید تحقیقات اجتماعی زیر نظرش به مطالعاتی پرداخت و فیلسوفان پدیدارشناسی، آرون گورویچ (Aron Gurwitsch) و ادموند هاسرل (Edmund Husserl) گارفینکل اظهار می‌دارد که کتابش مدیون آلفرد شوتز است.^۱ به هر حال این دین به حدی است که عده‌ای از صاحب‌نظران، روش‌شناسی مردمی را نوعی جامعه‌شناسی پدیدارشناسانه و آن را نمونه بارز شکوفا شدن و عده‌های پدیدارشناسی می‌دانند.^۲ زیرا هدف کلی آن این است که حقایق پدیدارشناختی آلفرد شوتز را از راه تجربیات عملی اثبات کند. به تعبیر

آمریکا و انگلیس انجامیده است. بعد از شهرت اولیه، این جنبش تا حدی فروکش می‌نماید و آن مقابله و رویارویی باتمام اشکال تثبیت یافته جامعه‌شناسی از سوی روش‌شناسان مردمی تبدیل به این می‌شود که این رویکرد نیز به عنوان یکی دیگر از وجوه رشته جامعه‌شناسی درآید.

به هر حال آنچه تمرکز ما در مورد این رویکرد جنجال برانگیز اواسط دهه ۱۹۶۰ و اوائل دهه ۱۹۷۰، عبارت خواهد بود از:

الف) زندگی‌نامه و زمینه فکری،

ب) روش‌های مورد استفاده و

ج) مباحث و مطالعات زبانی روش‌شناسی مردمی.

با این توضیح که ما خود را محصور به این موارد ننموده و برای روشنتر شدن مطلب عنداللزوم به مباحث دیگر روش‌شناسی مردمی نیز می‌پردازیم.



توسلی «روش شناسی مردمی این هدف شوتر را که جهان اجتماعی به وسیله کنش گران، در حین عمل و براساس مفروضاتی که بدیهی و مسلم تلقی می گردد تولید و نوبه نو می شود، به کار می گیرد»^{۱۱}

به سخن دیگر کار شوتر در مورد وجود «تجارب مشاهده شده اما توجه نشده»^{۱۲} یا جهان مفروض^{۱۳} سنگ بنای روش شناسی مردمی محسوب می شود.

همانند پدیدار شناسی، روش شناسی مردمی نیز سازمان اجتماعی را چیزی می داند که باید از میان تجارب گوناگون افراد متفاوت تثبیت شود. اما به هر حال در حالیکه شوتر عنوان می نماید که نظم منتهج دانش مبتنی بر عقل سلیم است، روش شناسی مردمی عنوان می نماید که یک چنین دانشی ذاتاً ناپایدار است. چیزی است که در هر موقعیت تازه می شود. ما با یکدیگر تباتی می نمایم که یک درکی از دانش مشترک مبتنی بر عقل سلیم داشته باشیم. در یک کلاس، ما تماماً فرض می نمایم که ما افرادی با هوش هستیم که در یک فرایند تعلیم و تعلم مشارکت جسته ایم و بندرت این پیش فرضها را دستکاری می نمایم. از دید شوتر ظهور این پیش فرضها مبین نقش نظم یافته کلاس می باشد، از دید یک روش شناس مردمی، یک چنین پیش فرضهایی وجود ندارد و در هر کلاسی ما با یکدیگر تباتی می نمایم که به یکدیگر این احساس را بدهیم که این پیش فرضها وجود دارند. به تعبیر کریب (Craib)، ما کلاس را می سازیم، دانشجویان، دانشجو بودن را می سازند و استاد استادی را می سازد.^{۱۴}

علاوه بر تأثیر نظریه پردازان و فیلسوفان پدیدار شناسی باید از تأثیر نظریه کنش متقابل نمادی نیز بر روش شناسی مردمی یاد کرد. اگرچه روش شناسی مردمی از اواسط دهه ۱۹۶۰ اهمیت پیدا کرد اما ریشه آن را در ترکیب دو مکتب کنش متقابل نمادی و پدیدار شناسی باید جستجو نمود^{۱۵} به زعم والاس (Wallace) هر دو چشم انداز کنش متقابل نمادی و روش شناسی مردمی مبتنی بر روانشناسی

اجتماعی استقرایی هستند که محدود به سطح جامعه شناختی خرد بوده و هر دو نیز از داده های کیفی استفاده می نمایند. شبیه تعامل گرایی نمادین، روش شناسی مردمی نیز یک رویکرد روانشناسانه اجتماعی است که با افراد سرو کار دارد تا نقشها و ساختهای اجتماعی؛ اما به هر حال سؤالاتش متفاوت است. سیکورل اشاره می نماید که نظراتی مثل خود آینه سان^{۱۶} کولی (Cooley) و تعریف موقعیت توماس (Thomas) بر این پیش فرض مبتنی است که معانی را می توان به عنوان اموری بدیهی و واضح^{۱۷} مورد قبول قرار داد. آنچه مورد علاقه روش شناسی مردمی است، ویژگیها و صفات معانی یا ساخت قواعد بازی است. سؤال روش شناسانه مردمی این است: چگونه قواعد رفتاری (یا قواعد بازی) کنشگران را در باره ماهیت محیطشان آگاه می سازد؟ یا همان گونه که سیکورل مطرح می سازد، چگونه کنشگر درک معانی را از محیط خود به طرق قابل قبول اجتماعی پیدا می نماید؟ اگرچه روشهای مورد استفاده تعامل گرایی نمادین و روش شناسی مردمی یکسان است، اما به علت سؤالات متفاوتی که روش شناس مردمی می پرسد، به گونه ای متفاوت این روشها مورد استفاده واقع می شوند.^{۱۸}

اما به هر حال دین گارفینکل تنها به پدیدار شناسان و رویکرد کنش متقابل نمادی محصور نمی شود. همان گونه که گارفینکل خود اظهار می دارد، روش شناسی مردمی ریشه های خود را در چهار جلد «ساخت کنش اجتماعی» پارسونز دارد. وی عنوان می نماید که خلاقیتهای اولیه روش شناسی مردمی از این متون گرفته شده است، نفوذ پارسونز به نقطه ای مربوط می شود که هم نسبت به کارکردگرایی و هم نسبت به روش شناسی مردمی مهم و اساسی است و آن تکیه بر مفهوم اعتماد (Trust) به عنوان پایه رفتار انسانی است.^{۱۹} گارفینکل قصدش این بود که چشم اندازی را پی ریزی نماید که در یکی از جنبه های نظریه کنش پارسونز یعنی

مطالعه اینکه مردم چگونه حسابها و شرمهای کنش اجتماعی خود را در

حالی که آن کنش را انجام می‌دهند، پی می‌ریزند از اهمیت برخوردار است.

توسط بعضی انجام گرفته است. بعضی از دانشجویان عنوان نمودند که استاد قصدش تحریک عکس‌العملهایی بوده است؛ یک دانشجویان اظهار نمود که استاد در حال انجام مراسم خاصی است. در واقع استاد موقعیت مفروض ورود به کلاس را مناقشه بردار نمود. وی جهان اجتماعی دانشجویان را مخدوش نمود و تلاش دانشجویان بر این بود که به گونه‌ای نظم اجتماعی مفروض را به جای خود برگردانند.^{۲۵} روش شناسان مردمی به بررسی شیوه‌های این کار از سوی مردم می‌پردازند. در این فرایند است که روش شناسان مردمی توجه خود را معطوف می‌دارند. در این رویکرد مفروضات روزمره زیر سؤال می‌رود، همان گونه که تاکنون تا حدی روشن شده است، روش شناسی مردمی صرفاً یک روش شناسی جدید نیست که مسائل و مشکلات چشم اندازهای نظری کلاسیک جامعه شناسی را حل نماید؛ بلکه یک چشم انداز نظری است که بر مجموعه کاملاً متفاوتی از مسائل در مقایسه با اکثر تحقیقات جامعه شناسی متمرکز است. در طرح‌ریزی برای فهم این مسائل، روش شناسی مردمی از شیوه‌های مشابه با دیگر چشم اندازها و همچنین شیوه‌های خاص استفاده می‌نماید. توسلی یکی از تعاریف روش شناسی مردمی را عبارت می‌داند از:

«مطالعات روش شناسی مردمی در جستجوی ست تا کنشهای عملی، موقعیتهای عملی و استدلال عملی جامعه شناختی را به موضوعاتی بدل کند که از نظر تجربی قابل مطالعه باشد و بهمین سبب به جای توجیهی که معمولاً به وقایع غیر عادی می‌شود تلاش می‌کند تا همان توجه را به فعالیت‌های کاملاً پیش پا افتاده زندگی روزمره معطوف کند و در صدد است تا از آنها به عنوان پدیده‌هایی فی‌نفسه، آگاهی یابد»^{۲۶}

بنابراین با توجه به این نکات معلوم می‌گردد که هدف روش شناسی مردمی تبیین رفتار انسانی یا نشان دادن اینکه برای نمونه چرا مکانها و نسلها در میزان طلاق یا خودکشی متفاوت هستند، نیست؛ تاکید این چشم انداز روی توصیف است. و

مطالعه روشهای مردم برای ایجاد نظم اجتماعی.^{۲۳}

این اصطلاح زمانی شکل گرفت که گارفینکل به هنگام کار روی فایل‌های فرهنگی به قسمتی تحت عنوان ethnophysiology, ethnobotany, ethnophysics, برخورد نمود. به هنگام کار روی پروژه مشاوره هیت منصفه، وی این گونه می‌دید که با هیت منصفه‌ای مواجه است که مشغول انجام روش شناسی مردمی هستند؛ لذا تصمیم گرفت که بهترین عنوان برای این محتوی و مضمون روش شناسی مردمی باشد. اگر قسمت ethno را به عنوان اعضاء یک گروه یا مردم ترجمه نماییم، لذا روش شناسی مردمی را می‌توان به عنوان شیوه‌های درک معنای اعضاء از جهان اجتماعیشان تعریف نمود.^{۲۴}

علاقه روش شناسان مردمی در نحوه درک معنای مردم از فعالیت‌های روزمره شان می‌باشد. قدر مسلم اینکه مقدار زیادی از فعالیت‌های روزمره مفروض گرفته می‌شوند. رویکرد گارفینکل در واقع به زیر سؤال کشیدن این مفروضات به منظور فهم جهان روزمره توسط عقل سلیم می‌باشد.

فرض کنید شما در کلاس درس در انتظار استاد هستید که مطابق معمول بیاید و درش را شروع نماید، استاد وارد می‌شود و بدون صحبت کردن شروع به رفتارهای نامعمول می‌نماید؛ مثلاً ورق‌های روزنامه را کف اتاق پهن می‌نماید، نمادهای مبهمی روی تخته سیاه می‌کشد، بدون ضرورت پنجره اتاق را چندین مرتبه بالا و پایین می‌برد. چگونه شما و سایر دانشجویان اعمال استاد را توصیف می‌نمائید؟ بدون تردید دانشجویان سعی می‌نمایند از این موقعیت نامعمول درک معنایی داشته باشند. به عبارت دیگر دانشجویان به دنبال راه‌هایی هستند که بتوانند این رفتار را به عنوان نمونه نامعمول رفتاری که به عنوان عادی و آشنا شناسایی شده است، توصیف نمایند. احتمالاً این که قرار دادن قطعات روزنامه روی میز تحریر به عنوان آزمونی تلقی شود؛ در واقع این آزمایشی بود که

شکر برانگیخته^{۲۰} می‌گنجد. وی خواست برخورد سطحی دانش و فهم شکر را در چارچوب نظریه ارادی ملاحظه نماید. اما به هر حال علی‌رغم دینش بارسونز نقطه عزیمت روش شناسی روش یا نظریه کارکرد گرایی کاملاً مغایر است. در حالیکه برای کارکرد گرایان «بجارها و ارزشها صریح بوده و «آنجا است»^{۲۱} که بر روی فرد عمل می‌نمایند و برای تعامل گرایان نمادین «بجارها و ارزشها از فرایند تعامل ناشی می‌شوند، برای روش شناسان مردمی مبنای «بجارها و ارزشها مورد علاقه نیست، بلکه علاقه آنها در فرایندی است که به وسیله آن مابنا تعامل نموده و به یکدیگر اثبات می‌کنند که آنان از ارزشها و «بجارها و ارزشها» می‌نمایند. به عبارت دیگر همان گونه که روشن خواهد شد، در هر موقعیتی فراد واقعیات اجتماعی مثل «بجارها یا ارزشهای مفروض را به گونه‌ای شناسایی می‌نمایند که معنای موقعیت را برای آنان تفسیر نماید. وقتی آنان به وسیله درک «بجارهای اجتماعی» تلویحی درک معنای موقعیت می‌نمایند، افراد در واقع مشغول ساخت واقعیات اجتماعی هستند و به سخن دیگر، به تجارب خود نظم می‌بخشند. به بحال قصد گارفینکل این بود که منع و تحریم زیر سؤال بردن نظم اجتماعی را بشکند و پیش فرضهای بدیهی که در موقعیتهای تعامل، عمل می‌نمایند را روشن نماید.^{۲۲}

ب) روشهای مورد استفاده روش شناسی مردمی

قبل از اینکه به طور مستقیم به این روشها بپردازیم، اشاره به نکاتی که به نظر ما در فهم هدف و برد استفاده از این روشها مؤثر خواهد بود ضروری می‌نماید.

از زاویه روش شناسی مردمی هر تعامل اجتماعی پایدار یک موفقیت و دستیابی است. چیزی محقق است و روش شناسی مردمی به دنبال چگونگی انجام آن می‌باشد. چون نام مطالعه (ology)، مردم (ethno)، روش (method) به معنای زیر است:

موضوع - شیوه‌های مردمی درک معنا از جهان اجتماعی خود - سؤالات متفاوتی نسبت به جامعه‌شناسی سنتی مطرح می‌سازد.^{۲۷}

به تعبیر توسلی، گارفینکل هر دو مفهوم عینیت و تعمیم پذیری را که در جامعه‌شناسی رسمی مطرح است مورد سؤال قرار می‌دهد. به نظر گارفینکل هر موقعیتی می‌تواند عنوانی برای مطالعات روش‌شناسی مردمی قرار گیرد. بنابراین محور مطالعات روش‌شناسی مردمی کنش اعضا، ارتباطات، مکالمات و زبان است و تکیه اصلی بر این است که چگونه افراد در عمل روابط معنی‌داری با دیگران برقرار می‌کنند و با تکیه بر عقل سلیم به این روابط شکل می‌دهند. طبعاً جامعه‌شناسی گارفینکل نه داعیه اصلاح و مداوا دارد و نه به دنبال رقابت است. در این دیدگاه، جامعه‌شناسی نیز خود از جهتی یک فعالیت روزانه محسوب می‌شود. به همان ترتیبی که افراد عادی در زندگی طبیعی و اجتماعی خود با پدیده‌های مختلف سروکار دارند که آنها را تفسیر می‌کنند. کار جامعه‌شناس نیز چنین است. با این تفاوت که جامعه‌شناس با آگاهی و علاقه بیشتری با فعالیت‌های روزانه زندگی اجتماعی درگیر می‌شود تا به فهم ساختارهای آن نایل آید و به تبیین و تفسیر پیچیدگی‌های زندگی روزمره بپردازد. توسلی اضافه می‌نماید که باید توجه داشت که در تمامی مطالعات آزمایشات گارفینکل، آزمون فرضیه یا اثبات آن مطرح نیست، بلکه هدف آن است که وابستگی افراد را به دانش مبتنی بر بدیهیات مسلم نشان دهد. بدین سان روش‌شناسی مردمی در جستجوی روشهایی است که بتواند نگرش طبیعی شوتر را به صورت پدیده قابل تحقیق

درآورد تا اعمال زندگی روزمره را که ماهرانه سازمان یافته است به معرض نمایش بگذارد.^{۲۸}

به هر حال بعد از این اشاره نسبتاً طولانی، شیوه‌های متنوعی که برای جمع‌آوری داده، مورد استفاده روش‌شناسان مردمی قرار گرفته است عبارتند از:

۱- مصاحبه‌های عمیق یا باز (open-ended or depth interviews)

۲- مشاهده توأم با مشارکت (Participant Observation)

۳- شیوه تفسیر اسنادی (Documentary interpretation)

۴- آزمایش‌های نقض کننده یا برهم زننده (Breaching Experiments)

۱) مصاحبه‌های عمیق یا باز معنایی که فرد به موقعیتهای زندگی روزمره می‌دهد از اهمیت زیادی برای روش‌شناسان مردمی برخوردار است، بنابراین می‌توان انتظار داشت که روش‌شناسان مردمی در حال انجام مصاحبه باز با مردم باشند. چون این بهترین شیوه جمع‌آوری داده برای درک معنای ذهنی است. از باب نمونه دو پروژه‌ای که از این متدولوژی استفاده شد، یکی مطالعه مشاوره هیئت منصفه گارفینکل و دیگری آزمون فراگیری هوگ مهان (Hugh Mehan) می‌باشد که به اختصار به آنها می‌پردازیم، الف) گارفینکل از نشستهای مشاوره‌ای هیئت منصفه نوار برداشت و پس از استماع این نوارها با آنان به مصاحبه شخصی پرداخت و بدین وسیله از منابع دانش آنها در انجام کار، اطلاع کسب نمود. عبارت زیر شیوه کسب آگاهی هیئت منصفه در انجام این کار را آشکار می‌سازد:

«هیئت منصفه خط کاری خود را از

مکانهای گوناگون به دست می‌آورند. دفتر چه هیئت منصفه، از دستور العملهایی که از دادگاه می‌گیرند، از فرایند مراسم تحلیف، هنگامی که از سوی دادگاه خوانده می‌شوند تا در صورتی که بتوانند برای عدم ادامه کار دلالی پیدا نمایند. خود خلع صلاحیت نمایند؛ از پرسش دادگاه، از چیزهایی که هیئت منصفه یکدیگر می‌گویند، از تلویزیون و فیلمهای گوناگون»^{۲۹}

ب) هوگ مهان نمود روشنی از ارزیابیهای ناصحیح که از سوی معلمان درباره دانش آموزان در تفسیر نتایج آزمون بدون بررسی ادراکات خود بچه‌ها در کشان از مواد آزمون، صورت می‌گیرد در اختیار ما می‌گذارد.

آزمون قدرت مطالعه و فراگیری کالیفرنیا (the California Reading Test) شامل تعدادی لغت، جمله و پاراگرافهایی است که در سمت چپ کاغذ قرار دارد و با فلشی همراه است که به طرف تصاویر سه گانه‌ای در سمت راست کاغذ نشانه رفته است. از کودک خواسته می‌شود که تصویری را علامت بزند که با کلمات سمت چپ بیشترین تناسب را داراست. یک سؤال، کلمه پرواز را در فلشی که به سمت یک فیل، یک پرنده و یک سگ نشانه رفته است با خود دارد. مسلم جواب صحیح پرنده است. ورقه جواب بسیاری از دانش آموزان ممتاز نشانگر این بود که آنان در پاسخ به این سؤال، یا تنها فیل را انتخاب نموده‌اند یا فیل و پرنده را. وقتی مهان از آنان سؤال نمود که چرا این جواب را انتخاب نمودند، آنان پاسخ دادند. این فیل، دامبو (Dumbo) است. دامبو فیل پرنده والٹ دیسنی است که از زاویه کودکانی که تلویزیون تماشا

روش‌شناسی مردمی صرفاً یک روش‌شناسی جدید نیست که مسائل و

مشکلات چشم‌اندازهای نظری کلاسیک جامعه‌شناسی

را حل نماید؛ بلکه یک چشم‌انداز نظری است که بر مجموعه کاملاً

متفاوتی از مسائل در مقایسه با اکثر تحقیقات جامعه‌شناسی متمرکز است.

آنچه مورد علاقه روش شناسی مردمی

است، ویژگیها و صفات معانی یا

ساخت قواعد بازی است. سؤال روش

شناسانه مردمی این است: چگونه قواعد

رفتاری (یا قواعد بازی) کنشگران را

درباره ماهیت محیطشان آگاه می سازد؟

پیچهای فرهنگی وجود دارد و افراد این شکافها را عمیقاً تجربه می نمایند. برای نمونه تحقیق سدنو نشان می دهد که شخص داغدار ممکن است از روی دلواپسی و نگرانی همواره این سؤال را پیش روی داشته باشد که: «در اینجا چه رفتاری از من مورد انتظار است؟»^{۳۱}

۳) شیوه تفسیر اسنادی

شیوه دیگری که از سوی جامعه شناسان مردمی مورد استفاده قرار می گیرد، شیوه تفسیر اسنادی می باشد. گارفینکل این اصطلاح را وامدار کارل مانهایم (Karl Mannheim) می باشد و تعریف او را اقتباس می نماید: «جستجو برای یک الگوی همسان حاکم برگستره ای از ادراکهای کاملاً متفاوت معنی

An identical homologous Pattern underlying a vast variety of totally different realizations of meaning"

به تعبیر گارفینکل این شیوه شامل برخورد با نمای واقعی^{۳۲} بعنوان سندی است که به چیزی اشاره می نماید و معرف یک الگوی مفروض پنهان می باشد. نه تنها الگوی غالب از شواهد اسنادی فردی ناشی می شود، بلکه شواهد اسنادی فردی نیز به نوبه خود بر پایه چیزی که راجع به الگوی غالب فهمیده می شود، تفسیر می گردد.^{۳۳} به عبارت دیگر نه تنها الگوی غالب از رفتار ظاهری افراد به دست می آید، بلکه رفتار افراد نیز بر پایه این الگوها تفسیر می شود. این شیوه برای ضرورت روزمره درک چیزی که یک شخص در مورد آن صحبت می نماید، با این فرض که وی چیزی را که واقعاً در معنا دارد نمی گوید، کاربرد دارد. از دید گارفینکل شیوه اسنادی چیزی است که مردم مستمراً در تفسیر مجدد رفتار یکدیگر به کار گرفته و در جستجوی الگوهای غالب می باشند. یکی از استفاده ها از این روش از سوی روش شناس مردمی به نام دی لارنس ویدر (D. Lawrence Wieder) گرفته است: به عنوان یک مشاهده گر مشارکتی در یک منزل بین راه، ویدر بعد از چندین ماه اقامت و محاوره زیاد با ساکنین

است... بنابراین در نظر روش شناسان مردمی مشاهده معمولی مورد نظر نیست؛ بلکه پژوهشگر با نفوذ در عمق ارزشهای فردی و مشارکت در زندگی روزمره و عادی آنان باید به درک و فهم معنا و ارزشهای نهفته در آن پی ببرد تا از این طریق به منشاء و انگیزه عمل از سوی عاملین آن دست یابد»^{۳۴}

برای نمونه، دیوید سدنو (David Sudnow) در اثر خود تحت عنوان (Passing on) عنوان می نماید که چشم انداز روش شناسی مردمی او، وی را قادر نمود تا ابهام وضعیت و پایگاه داغدار (breaved status) را شناسایی نماید و بدینسان نقش اساساً پر زحمت عناصر هنجاری در موقعیت غم و اندوه را آشکار نماید. سدنو می نویسد:

«اشخاص داغدار ظاهراً مشکلات زیادی در اداره و مدیریت ویژگیهای موقعیت خود دارند. قسمت اعظمی از مشکلاتشان ناشی از واقعیت شناخته شده پایگاهشان به عنوان یک داغدار است که راه را برای برخورد غمگانه با آنان بدون توجه به اینکه آنان چگونه با خودشان رفتار می نمایند، هموار می سازد. این احساس وجود دارد که تنها با گذر زمان است که آنان پایگاه خود را دیگر به عنوان داغدار تلقی نمی نمایند»^{۳۵}

کارکردگرایی مثل پارسونز عنوان می نمایند که غم و اندوه برای تسلی و کاهش تنش، کارکردی می باشد و تصور می نمایند که نقش داغدار و اطرافیانش به لحاظ اجتماعی روشن و واضح می باشد. روش شناسان مردمی همچون سدنو محدودیتهای نقش فرهنگی را بر ملا می سازند. شکافهای زیادی در نسخه

برسایند و کتابهای کودکان را می خوانند بیوانی است که می پرد. ۳۰ مهان نتیجه می گیرد که وقتی کودکان کلمه پرواز را می نویسند به کار می برند، ممکن است با همی باشد بر اینکه کودکان نمی توانند به گونه مشابه اشیا را انتزاع نمایند و طبعاً در رابطه با توانایی مفهومی از خود ضعف نشان داده اند. بنابراین بر اساس شیوه ای که زنون گر (Tester) تست را دیده و تفسیر می نماید، کودک یک ناتوانی در استفاده از معنی از مهارت های زمینه ای تفکر مفهومی^{۳۶} نشان داده است. اما کودکان که هنوز ضرورتاً راه صحیح پاسخ به آزمون را می دانند، به هر حال درک معنایی - اگرچه متفاوت با آزمون گر اما به هر حال بر پایه مهارت های مفهومی خود کرده اند. بنابراین جوابهای ناصحیح می توانند از یک شکاف بین دیدگاه بزرگسالان و دانش آموزان نسبت به دنیا حاصل شده باشد. آنچه مورد علاقه مهان بود راهی است که به وسیله آن دانش آموزان سؤال و جواب را تفسیر می نمایند. پاسخ سؤال به مهان می گفت که چه معنایی آن دانش آموز خاص از موقعیت برداشت نموده است. در واقع دانش آموز شیوه درک معنای خود از وظیفه محوله بر پایه موجه سازی و حساب (accounting for) روی کنش گذشته نشان می دهد.

۱) مشاهده توأم با مشارکت

مصاحبه عمیق توأم با مشاهده همراه با مشارکت می تواند حوزه های مسئله دار (Problematic) یک زندگی روزمره شخصی را روشن نماید، حوزه هایی که به شیوه های دیگر روشن نمی شوند. توسلی در این زمینه اظهار می دارد:

«یکی از وظایف اصلی محقق روش شناسی مردمی این است که خود را در موقعیتهای مختلف و جایگاه اجتماعی متفاوتی قرار دهد و تلاش کند که چگونگی ارتباط و مناسبات میان مردم را مورد مشاهده قرار داده، روشن سازد که فعالیتهای اجتماعی روزمره که بخش مهمی از زندگی اجتماعی است، چگونه نظم می یابد و بر چه مبنای تفاهم مشترکی متکی

گارفینکل مصرانه از روش شناسان مردمی می خواهد که توجه را به رفتارهای بازتابی معطوف نمایند.

آنجا، یک قاعده (Code) را کشف نمود که در رفتارها مؤثر بوده است. این قاعده و کد شامل منع و تحریمهایی علیه سخن چینی، سوء استفاده از دیگر ساکنین و - در کنار تشویقی در جهت تقسیم همکاری و صداقت خود را به دیگران نشان دادن می باشد. به هر حال با استناد به این کد ساکنین در واقع رفتار یکدیگر را هدایت می نمودند. برای نمونه وقتی یکی از ساکنین در خاتمه محاوره ای اظهار می داشت که شما می دانید که من سخن چینی نخواهم کرد، بدین وسیله ضمن کنترل (Sanctioning) رفتار شخصی، محاوره را نیز خاتمه می بخشید.^{۳۸}

۴- شیوه آزمایش نقص کننده

شیوه دیگر آزمایش روش شناسی مردمی، آزمایش نقص کننده و برهم زنده می باشد که در آن محققین، در فعالیت عادی ایجاد مزاحمت می نمایند و یا به تعبیر گارفینکل صحنه را برهم می زنند. وقتی این کار انجام شد، علاقه محققین معطوف به این مسئله است که سوزها چه کاری به منظور دادن یک نظم ظاهری به موقعیت انجام می دهند؟ یا چه کاری به منظور درک معنایی از واقعیت می نمایند؟ آزمایش استادی که قبلاً ذکر آن به میان آمد، نمونه ای از به کارگیری این شیوه است. گارفینکل خود مثالها و آزمایشهای متعددی در این زمینه آورده است و در واقع کتاب گارفینکل پراز آزمایشهایی است که وی عمدتاً با دانشجویان خود انجام داده است. البته بدین صورت که دانشجویان را برای بکارگیری شیوههایی از قبیل شیوه مذکور، در مکالمات در زمینه های گوناگون و می داشته است. در یکی از این موارد از دانشجویان خواسته می شود که با یک آشنای خود وارد محاوره شوند و از طرف مقابل بخواهند که مطالب خود را واضحتر بگوید. ۲۳ دانشجوی ۲۵ مورد از این محاوره ها را گزارش نمودند که گارفینکل مواردی را انتخاب نموده است. بعنوان نمونه به چند تا از این موارد اشاره می نمایم:

سوز: یکی از چرخهایم پنچر شد. (آزمایش گر دانشجو: منظور چیست، که یکی از چرخهایم پنچر شد؟) سوز: مات و مبسوت و در حالی که خصمانه جواب می داد می گوید: «منظور چیست؟ منظور چیست؟» یک چرخ پنچر، چرخ پنچر است دیگر. این چیزی است که منظور من است، چیز خاص دیگری در کار نیست، چه سؤال مسخره ای! مورد دیگر:

در یک جمعه شب من (دانشجو) و شوهرم تلویزیون تماشا می کردیم. شوهرم عنوان نمود که خسته است.

من پرسیدم، چگونه خسته ای؟ فیزیکی، روانی یا فقط خسته ای؟

(سوز): من نمی دانم، احتمال می دهم فیزیکی خسته باشم.

(دانشجو): منظور این است که ماهیچه ها یا استخوانهایم درد می کند؟

(سوز): فکر می کنم این طور باشد. زیاد فنی برخورد نکن.

(سوز): تمام این فیلمهای قدیمی کسالت آور هستند.

(دانشجو): منظور چیست؟ منظور تمام فیلمهای قدیمی است یا بعضی از آنها یا آن را که هم اکنون تماشا کرده ای؟

(سوز): چت شده است؟ تو میدونی منظورم چیست؟

(دانشجو): ای کاش تو بیشتر منظور خود را تفهیم می نمودی.

(سوز): تو میدونی که منظورم چیست! دست بردار.^{۳۹}

این مثالها به تعبیر گارفینکل معلوم می نماید که چگونه افراد در زندگی روزمره خود مفاهیمی را مفروض می گیرند و فرض را بر این می گذارند که دیگری نیز این مفاهیم را می داند و در مقام توضیح بدیهیات آشفته و عصبانی می شوند. ما از طریق برهم زدن و نقص همین حوادث پیش پا افتاده است که پی به این مفاهیم مشترک مفروض می بریم.

در آزمایشی دیگر گارفینکل از دانشجویان می خواهد که محاوره مشترک

را در طرف چپ کاغذ آورده و در طرف راست چیزهایی که واقعاً از این محاوره فهمیده می شود آورده شود. قدر مسلم چیزهایی که فهمیده می شود بسیار بیشتر از چیزهایی است که گفته می شود.^{۴۰}

از آزمایشهای برهم زنده در جهت دیگری نیز همان گونه که در ابتدا آوریم استفاده می شود و آن درک معنایی است که سوزها از اوضاع غیر عادی می نمایند. مثلاً استادی که در بدو ورودش به کلاس کارهای خلاف متعارف نمود، بیانگر درک معنایی است که دانشجویان سعی می نمایند نسبت به کارهای استاد داشته باشند.

والاس در به کار بردن این روش هشدار می دهد. در یکی از نمونه های آزمایش، دانشجوی متأهلی با دو فرزند، که مطلقه شده بود، قرار می شود در منزل نقش یک مستخدم را بازی نماید، این کار با وحشت بچه ها روبرو می شود و بلافاصله این خانم آزمایش خود را قطع می نماید؛ اما یک ماه به طول می انجامد با بچه ها توانستند مجدداً به او اطمینان نمایند. مفهوم اعتماد گارفینکل توضیح می دهد که چگونه مردم یک نظم معینی از حوادث را می پذیرند و این مسئله با اندیشه پارسونز در مورد انتظارات هنجاری مشترک نزدیک است.^{۴۱} در پاسخ به اینکه مردم چگونه زندگی روزمره خود را درک و تفسیر می نمایند و چگونه سوزها، حوادث و وقایع را طبیعی می بینند؟ جواب گارفینکل اعتماد است. به عبارت دیگر قوانین مبهم هستند و به شیوه های گوناگون ادراک و تفسیر می شوند. اما کنشگر به محیط در مواجهه با شک و تردید (Uncertainty) اعتماد می نماید.^{۴۲}

ج) مباحث و مطالعات زبانی روش شناسی مردمی

ریشه های اندیشمندی روش شناسی مردمی تنها در جامعه شناسی پدیدار

شناسانه از سوی شوتر نیست، بلکه همچنین در سنت فلسفه زبانی که

بسالودویگ ویتگنشتاین (Ludwig wittgenstein) پا گرفت نیز

ریشه های اندیشمندی روش شناسی مردمی تنها در جامعه شناسی پدیدار

شناسانه از سوی شوتر نیست، بلکه همچنین در سنت فلسفه زبانی که

بسالودویگ ویتگنشتاین (Ludwig wittgenstein) پا گرفت نیز

ریشه های اندیشمندی روش شناسی مردمی تنها در جامعه شناسی پدیدار

شناسانه از سوی شوتر نیست، بلکه همچنین در سنت فلسفه زبانی که

بسالودویگ ویتگنشتاین (Ludwig wittgenstein) پا گرفت نیز

ریشه های اندیشمندی روش شناسی مردمی تنها در جامعه شناسی پدیدار

شناسانه از سوی شوتر نیست، بلکه همچنین در سنت فلسفه زبانی که

بسالودویگ ویتگنشتاین (Ludwig wittgenstein) پا گرفت نیز

ریشه های اندیشمندی روش شناسی مردمی تنها در جامعه شناسی پدیدار

بتر است.^{۴۳} کرباب اظهار می‌دارد» تمایز بین روش‌شناسی مردمی موقعیتی و روش‌شناسی مردمی زبانی امری جا افتاده بوده است. اما من فکر می‌کنم یک چنین تمایزی برفانی است؛ چون بینشهای محوری این رویکرد با نحوه استفاده از زبان برای پایدار کردن موقعیتها سرکار دارد.^{۴۴}

از دید روش‌شناسی مردمی:

الف) زبان تا حدی مثل یک سیستم برگه‌دان (indexing) در کتابخانه می‌باشد؛ که مستمراً ما را به کارهای دیگر همان موضوع و کارهای دیگر همان مولف ارجاع می‌دهد. معنای هر اصطلاح در یک زبان ما را به زمینه (context) آن موقعیتی که در آن اصطلاح به کار گرفته می‌شود و کلمات اطراف آن، ارجاع می‌دهد. فی‌المثل این مسئله بالفظ «شما» واضح می‌شود که «شما» وقتی من در حال صحبت هستم و تنها در موقعیتی که من به کار می‌گیرم روشن است. این مسئله برای هر کلمه یا عبارتی صادق است. وقتی ما به فردی که دارد صحبت می‌کند گوش می‌دهیم همیشه باید منتظر باشیم تا بفهمیم که چه چیز گفته می‌شود. همین مسئله برای هر جمله یا عبارت منفردی صحت دارد و فرایند تبیین پایانی ندارد. همیشه این امکان وجود دارد که به هر گونه جوابی بگوییم منظورشان چیست؟ به هر حال ما نمی‌توانیم هیچ معنایی را مفروض نماییم، مع الوصف ما به گونه‌ای رفتار می‌نماییم که این توان را داریم.

ب) مسئله دیگر به بازتابی (reflexive) بودن صحبت ما درباره کنشها و موقعیتها برمی‌گردد. و این مسئله در چگونگی رفتار ما در وضوح معنا کار برد زیاد دارد. وقتی ما یک موقعیت را توصیف می‌نماییم، همزمان آن را بوجود می‌آوریم، آن را به نظر معنی دار و منطقی می‌سازیم. اصطلاح بازتابی بودن، فعالیتهایی را جمع می‌نماید که در تعامل روزمره ما برای تصحیح indexicality به کار می‌گیریم و درکی از ثبات اجتماعی را برقرار می‌نماییم.^{۴۵}

مردم مستمراً به هنگام توضیح کنشهای خود به ارائه دلیل و توجیه کلامی و زبانی مشغولند. گارفینکل مصرانه از روش‌شناسان مردمی می‌خواهد که توجه را به رفتارهای بازتابی معطوف نمایند. برای نمونه وقتی از کودک سؤال می‌شود که

چیزی درباره نقاشی خود بگوید، فرد در تفسیر اشکال و رنگها به دیگری یک توجیه و حساب ارائه می‌نماید. اگر معلم هنر واقعاً به تفسیر دانش آموز نسبت به نقاشی خود علاقه‌مند است، باید در خواست خود را در قالب عبارتی مثل «درباره آن برایم حرف بزن» مطرح نماید و بدین وسیله تفسیری از دنیای معنایی خود دانش آموز را دعوت به آشکار شدن نماید. به هر حال بسیاری از دلایلی که مردم درباره رفتار خود نسبت به یکدیگر ارائه می‌کنند در قالب اختصار صورت می‌گیرد. چیزهای زیادی از محاوره کسر می‌شود. اصطلاحاتی را که متضمن درک متقابل است و به طور کلامی بازگو نمی‌شود را گارفینکل (اظهارات ضمنی؟!) indexical expressions می‌نامد.

معانی در هر موقعیتی کاملاً به ماهیت موقعیت وابسته است. گارفینکل به این نکته اشاره می‌نماید که معانی که دو نفر به هر گونه تعاملی نسبت می‌دهند، متصل به مکان و زمان آن موقعیت است. حضور و حال اشخاص (Persons Present) هدف یا نیت کنشگران، دانش آنان نسبت به یکدیگر تماماً وجوهی از indexicality می‌باشد. گارفینکل معتقد است که تعامل اجتماعی تنها در زمینه قابل فهم است و تناسب زمینه‌ای

(Contextual relevance) در کانون توجهات روش‌شناسی مردمی واقع است. مطالعه اینکه مردم چگونه حسابها و شرحهای کنش اجتماعی خود را در حالی که آن کنش را انجام می‌دهند، پی می‌ریزند از اهمیت برخوردار است. چون درک معنا از موقعیت متضمن ارائه دلایل زبانی تعامل اجتماعی است. به تعبیر گارفینکل انجام تعامل به معنای گفتن تعامل است. شگفت‌انگیز نیست که بسیاری از روش‌شناسان مردمی به تحلیل محاوره‌ای مشغولند و روی ترنر (Turner Roy) این نکته را مطرح می‌نماید که مبادله مکالمات و اظهارات را می‌توان به عنوان انجام کارهایی با کلمات تلقی نمود. مثل بله گفتن در مراسم عروسی، یا معذرت خواستن بعد از پا گذاشتن روی انگشت شست پای کسی. ترنر عنوان می‌نماید که این اظهارات صراحتاً فعالیت می‌باشند. چون دلایل و حسابها در قالب کلام و صحبت می‌باشند، جملات توصیفی محاوره‌ها و تفسیر طرفین در محاوره‌ها، تماماً داده‌های مهمی برای

روش‌شناسان مردمی محسوب می‌شوند.^{۴۶} نام آرون سیکورل نامی آشنا در زمینه مطالعات زبانی روش‌شناسی مردمی است. وی عنوان می‌نماید که احساس ساخت اجتماعی که ما در تعامل خود به دنبال برقراری آن می‌باشیم محصول چیزی است که وی قواعد سطحی و تفسیری یا عمیق



می‌نامد و ظاهراً آن را از زبان‌شناس معروف یعنی چومسکی (Chomsky) وام گرفته است. قواعد سطحی^{۴۷}، هنجارهای زندگی اجتماعی هستند که از رویکردهای نظری دیگر مفروض می‌گیرند. روش‌شناسی مردمی این را جا انداخته است که یک چنین قواعدی را نمی‌توان مفروض

5. Ibid., 5.
 6. Wallace, 1991: 293.
 7. American Sociological Association.
 8. The jury deliberation project.
 9. Wallace, 1991: 294.
 ۱۰. توسلی، ۱۳۶۹: ۴۳۸.
 ۱۱. قبلی: ۴۳۸.
 12. Seen but unnoticed experienas.
 13. taken for granted.
 14. Craib, 1984: 90.
 ۱۵. توسلی، ۱۳۶۹: ۴۳۸.
 16. looking - glass self.
 17. Self - evident.
 18. Wallace, 1991: 307.
 19. Ibid.: 295.
 20. Motivated Actor.
 21. Out there
 22. Ibid.: 295.
 23. Craib, 1984: 90.
 24. Wallace, 1991: 295.
 25. Ibid.: 296.
 ۲۶. توسلی، ۱۳۶۹: ۴۴۰.
 27. Wallace, 1991: 298.
 ۲۸. توسلی، ۱۳۶۹: ۴۵۸ - ۴۴۱.
 29. Garfinkel, 1967: 110.
 30. Mehan, 1974: 20.
 31. bacdground skills of conceptual thought.
 ۳۲. توسلی، ۱۳۶۹: ۴۶۰ - ۴۵۹.
 33. Sudnow, 1967: 137.
 34. Wallace, 1991: 304.
 35. Garfinkel, 1967: 78.
 36. actual appearance.
 37. Ibid.: 78.
 38. Wallace, 1991: 305.
 39. Garfinkel, 1967: 42 - 43.
 40. Ibid.: 38.
 41. shared normative expectations.
 42. Wallace, 1991: 306.
 43. Craib, 1984: 90.
 44. Ibid.: 91.
 45. Ibid.: 91 - 92.
 46. Wallace, 1991: 302.
 47. Surface rule.
 48. Craib, 1984: 95.

درب به هنگام ضرورت و غیره این معانی عام قواعد سطحی سیکورل می‌باشند که به لحاظ اجتماعی مشترک گردیده و تثبیت می‌شوند. درست مثل خود زیان.^{۴۸}

منابع:

الف - فارسی: -توسلی، غلامعباس «نظریه‌های جامعه شناسی» تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، ۱۳۶۹.

ب - انگلیسی:

1. Craib, Ian. "Modern Social theory, From Parsons to Habermas". London: Harvester wheatsheaf, 1984.

2. Garjinkel, Harold. "studies in Ethnomethodology" Englewood cliffs, N.J: Prentice-Hall, Inc, 1967.

3. Mehan, Hugh, "Ethnomethodology & Education" in D.O, shea, ed "Sociology of the School & Schooling"

Washington, D. C: National Institute of Education, 1974.

4. Sudnow, David. "Passing on: the Social organization of Dying" Englewood cliffs, N.J: Prentice Hall, Inc, 1967.

5. Wallace, A. Ruth & Alison Wolf "contemporary Sociological theory" New Jersey: Prentice Hall, 1991.

پاورقی‌ها:

۱. افروغ، عماد، (نقد و بررسی رویکردهای اصلی توسعه و توسعه نیافتگی» سمینار جامعه شناسی و توسعه، ص ۴۱، در دست انتشار.

2. Kuper, adam & jessica kuper. the social science Eneyelopedia.

3. Hulme, David & Mark Turner. Sociology & Development. london: Marvester wheat sheaf, 1990, P. 5.

4. Ibid.. 5.

گرفت؛ بلکه این قواعد به طرق گوناگون و در موقعیتهای گوناگون تفسیر و بازسازی می‌شوند. این بازسازی با یک ساخت قواعد تفسیری همراه است که به نظر سیکورل ویژگیهای ذاتی انسان باشد. ما آنها را یاد نمی‌گیریم، آنها پایه یادگیری هستند. سیکورل بر ضرورت یک چنین ساخت غالب قواعد تفسیری این گونه اظهار می‌نماید که ادراک (Perception) از جهان از طریق حواس پنجگانه صورت می‌گیرد: ما همزمان می‌توانیم بینم، بشنوم، حس کنیم، بچشم و بیویم؛ اشیا و حوادث جهان همزمان درک می‌شوند. اما به هر حال زبان ما را قادر می‌سازد که تنها درباره یک چیز در آن واحد صحبت نماییم و یک فرایند انتقال تجارب غیر زبانی جهان به توصیفات ما وجود دارد. و علت اینکه توصیف یک حادثه همیشه ایجاد آن حادثه می‌باشد نیز همین است. چون نه تنها افکار (minds) ما بلکه عواطف ما نیز در تجربه جهان درگیر می‌باشند. پیوند بین واژه و ادراک، واژه و احساس بندرت از سوی نظریه اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفته است؛ مع الوصف تمام تحقیقات تجربی مرتبط با چیزهایی که مردم می‌گویند، فرض را بر این می‌گذارند که این پیوند و رابطه هیچ مسئله‌ای در بر ندارد.

یکی دیگر از اشاراتی که از سوی روش شناسی مردمی و به ویژه کارهای سیکورل به دست آمده است، اشاره‌ای است به قلمرو معانی عام (general meaning) قبول یک قلمرو معانی عام به معنای ورود در یک تبانی برای ارائه احساسی از نظم اجتماعی است. اگرچه این درست است که عنوان نماییم که درک نظم اجتماعی در هر تعامل اجتماعی تازه می‌شود، اما ما هر بار معنا را اختراع نمی‌کنیم، کاری که می‌کنیم ارائه یک منظر (version) مبتنی بر موقعیت خاص یک معنای عام می‌باشد. معانی عام ابزاری هستند که ما به طرق گوناگون و در شرایط گوناگون به کار می‌گیریم. درست مثل نحوه استفاده از چکش، یک بار برای کوبیدن، یک بار برای کشیدن میخ، یک بار برای شکستن